

سینماهای تهران در دوره ی احمدشاه قاجار

۱۲ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۱۵

سینما در کشور ایران که از دیرباز با هنرهای نمایشی آشنایی داشت بسیار سریع رشد کرد و با نام «چراغ جادو» مورد بهره برداری قرار گرفت و البته این نیز مانند دیگر پدیده های نوین از اروپا به ایران آمد.

به طوری که از منابع تاریخی بر می آید سفر مظفرالدین شاه به فرنگ در سال ۱۲۷۹ش (۱۳۱۸ق) موجب آشنایی با این وسیله سرگرمی در محل آب های گرم معدنی کنترکسویل فرانسه گشت و شاه را آنقدر مجذوب کرد که بلافاصله دستور داد میرزا ابراهیم خان عکاس باشی یک عدد آن را خریده و طرز کار آن را یاد بگیرد، تا این دستگاه عجیب را که به ظن او بر روی دیوار می اندازند و مردم در آن حرکت می کنند، به عنوان سوغات برای زنان حرمسرای خود ببرد.

این دستگاه که در آن زمان سینماتوگراف نامیده می شد خریداری شد و به دستور مظفرالدین شاه، میرزا ابراهیم خان صحاف باشی از مراسم کارناوال گل که در فرانسه برقرار بود فیلم برداری کرد و همین عمل نام او را به عنوان اولین فیلم بردار ایرانی در تاریخ ثبت کرد. پس از بازگشت سینماتوگراف بر خلاف دول خارجی که هنری اجتماعی بود و از ابتدا در بین مردم عامی رشد کرده بود، شمع محفل درباریان شد و به عنوان تفریحی اشرافی به خدمت دربار درآمد. خیلی زود فیلم هایی از زندگی زنان حرمسرا، خواجهگان، مسافرت های شاه، شیرهای شاه در دوشان تپه و مراسم سینه زنی تهیه و در اندرونی و خانه های شاهزادگان به نمایش درآمد و تا آنجا پیش رفت که خود مظفرالدین شاه تصمیم به ساختن فیلم گرفت و اولین فیلم فارسی را از زندگی خواجه های درباری کارگردانی کرد.

اما پس از مظفرالدین شاه و در دوران احمد شاه روند نمایش فیلم ها جنبه ای عمومی یافت چنانکه مسعود نوربخش می نویسد در سال ۱۳۳۰ ه.ق. / ۱۲۹۱ ش. شخصی به نام آراداشس باتماگرایان معروف به اردشیرخان ارمنی در خیابان علاءالدوله سالن سینمای جدیدی را افتتاح کرد و برای نخستین بار در تهران بهره برداری همگانی از سینما را رواج داد. مرحوم عبدالله بهرامی در توصیف سینمای اردشیرخان چنین می نویسد: اردشیرخان شخص تنومند و ارمنی بود که قسمتی از ساختمان دوطبقه روبروی بانک ملی در خیابان فردوسی متعلق به او بود. طبقه ی زیر را به مغازه های کتابفروشی و غیره اجاره داده بود، ولی طبقه ی دوم را برای خود نگهداشته و در آنجا یک سینمای کوچکی تهیه کرده بود. اگر از وضعیت محل و ترتیب ورود و خود صاحب آن، فیلم برداشته بودند قطعاً امروز یکی از این مجالسی می شد که تمام مردم برای تماشای آن هجوم می آوردند. از خارج هیچ علامتی که دال بر سینما بودن این بالاخانه ها باشد وجود نداشت فقط از روی شهرت عده ای متوجه شده بودند که در آنجا تماشاخانه است. از

چندین پله ی آجری که انسان بالا می رفت به یک اطاق کوچکی می رسید که یک جوان ارمنی پشت میزی نشسته و بلیط های چاپی به طور مساوی به قیمت دو قران به واردین می فروخت.

تماشاچیان منحصر بودند به عده خیلی کمی از مرد و بچه. مطابق مقررات آن وقت زن ها حق ورود به چنین محلی را نداشتند. از آن اطاق کوچک به یک سالن نسبتاً بزرگی وارد می شدند که در آنجا دو ردیف صندلی نهاده بودند. واردین به طور منظم دور صندلی ها نشسته و با بی صبری در انتظار تاریک شدن اطاق و ظاهر شدن عکس ها روی پرده سفید بودند و بلند با هم صحبت کرده و یا تخمه می شکستند. برای اینکه مجلس به کلی سرد و کسل نشود مژده می داد که الساعه تماشا شروع خواهد شد. ضمناً انتظار می کشید که لااقل یک عده ی بیست نفری در سالن جمع شده باشد. این انتظار تا یک ساعت به طول می انجامید تا تقریباً عده ی حضار به یک چنین عددی می رسید. آن وقت پنجره ها و درهای سالن را محکم بسته و پرده های ضخیم آن را پایین می کشیدند. یک نفر تارزن و یک نفر هم با دنبک شروع می کردند به نواختن آهنگ های وطنی و تماشاچیان را مهیای شنیدن و دیدن صحنه ی مهیج می نمودند. خود اردشیرخان با یک حالت جدی و موقر در بالای اطاق ایستاده تا راجع به بازی اشخاص آن توضیح لازم را بدهد.

روی پرده عکس های کم رنگی ظاهر می شد که گاهی برق زده و چشم را خسته می کرد و اقلأ یک یا دو دفعه در حین تماشا نوار قطع می گردید. از خود عکس ها چیزی درست مفهوم نمی گردید، ولی توضیحات اردشیرخان حاضرین را کاملاً متوجه به وقایع صحنه می ساخت. اردشیرخان فارسی را با لهجه خاص ارمنی و بعضی جملات نشنیده ادا می کرد که خودش اسباب تفریح مستمعین می شد.

در سال ۱۳۳۱ ه.ق. / ۱۲۹۲ ش. ژرژ اسماعیلی، روبروی سالن اردشیرخان سینما دایر کرد و کار آن ها به رقابت کشید.

مسعود مهرابی درباره ی ساعات شروع و تعطیل نمایش فیلم در سینماهای تهران می نویسد:

نکته قابل توجه در نخستین سال های استفاده عمومی از سینما، همزمانی نمایش فیلم و اجرای تعزیه بود. تعزیه معمولاً از حدود ساعت ۲ بعدازظهر اجرا می شد و تا دو ساعت از شب گذشته ادامه می یافت. نمایش دهندگان فیلم نیز برنامه ی نمایشی خود را، در همین ساعت ها گنجانیدند. یک تحلیل بدبینانه می تواند چنین نتیجه گیری کند که این همزمانی، یک طرح از پیش تعیین شده برای از میدان بدر بردن تعزیه است، اما تحلیل دیگر، می تواند این باشد که نمایش دهندگان فیلم از سنت های نمایشی بهره گرفتند و همان ساعت هایی را برای نمایش دهندگان فیلم برگزیدند که بر اثر عادت، مردم برای تماشای نمایش به آن خو کرده بودند. تحلیل هرچه باشد، پیامدش همان بود که انتظار می رفت. سینما توگراف، پدیده ای شگفت انگیز که طی چندین سال، توده های وسیعی را به بند طلسم خود کشید، میادین نمایش های سنتی را از تماشاگران تهی ساخت.

۱- بهرامی، عبدالله، خاطرات بهرامی، تهران: علمی، ۱۳۶۳.

۲- مهربانی، مسعود، تاریخ سینمای ایران، تهران: فیلم، ۱۳۶۵.

۳- نوربخش، مسعود، تهران به روایت تاریخ، ج ۴، تهران: علم، ۱۳۸۰.

۴- کسری، نیلوفر، مختصری از تاریخچه سینما در ایران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

منبع تقدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۶۹۷/تهران-سینماها-پ-دوره-تهران-سینماها-۲۹۶۹۷>